



تبیین نشانه‌شناسی و راهکارهای نظریه معناشناسی فردینان دوسوسور در خانه‌های تاریخی دوره قاجار در شهرهای اردبیل، تبریز و ارومیه

هومن محبی گرمی^۱، رضا فرمهینی فراهانی^۲، محمد مهدی غیائی^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران h_mohebi@yahoo.com

^۲ (نویسنده مسئول) گروه هنر و معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران rezafarahani9080@gmail.com

^۳ گروه هنر و معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران m.ghiai@iausr.ac.ir

چکیده

برای تبیین نماد و نشانه در حیطه زبان‌شناسی، رویکردی تحت عنوان نمادشناسی و یا نشانه‌شناسی وجود دارد. فردینان دوسوسور به‌عنوان یکی از اولین پیشگامان حوزه زبان‌شناسی معتقد بود که همواره هر کدام از نشانه‌ها که در ساختار زبان‌شناسی وجود دارند، دارای یک علت و یک معلول بوده که به آن‌ها معنا بخشیده است. این شیوه علاوه بر ساختار زبان‌شناسی سایر حیطه‌ها را شامل می‌شود. در این میان، معماری نیز به دلیل ساختار هنری خود از این قاعده مستثنا نبوده است و در سیر تاریخ معماری جهان همواره در طراحی‌های معماری، مورد کنکاش معماران قرار گرفته است. از بناهای تاریخی موجود در ایران، بناهای تاریخی مربوط به دوره قاجار است که در شهرهای مختلف پراکنده است و بخشی از این آثار در شهرهای شمال غربی ایران، یعنی اردبیل، تبریز و ارومیه متمرکز است. در این پژوهش که در آن تأکید بر رویدادهای تفسیری - تاریخی و بر تفسیر و معنای نمادها و نشانه‌های در معماری بر اساس نظریه‌های سوسور دارد، به بررسی علل عملکردی و مفهومی فضاهای خانه‌های مسکونی از منظر نشانه‌شناسانه و معناشناسی سوسور در شهرهای اردبیل و تبریز و ارومیه به دلیل داشتن خانه‌های مسکونی غنی از فرهنگ و معماری دوره قاجار پرداخته شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که ساختارهای هر بنا در شکل‌گیری معنا و مفاهیم معماری در آن منطقه متفاوت است اما اصول به‌کارگیری هر یک از نشانه‌ها در هر یک از خانه‌های معرفی شده در هریک از شهرها یکسان می‌باشد.

اهداف پژوهش:

۱. معرفی نمادها و نشانه‌های به‌کار رفته در خانه‌های تاریخی دوره قاجار در شهرهای اردبیل و تبریز و ارومیه و قیاس بصری و مفهومی هر یکی از نشانه‌ها در ساختارها.

۲. ارزیابی وضعیت کمی و کیفی فضاها و خانه‌های تاریخی در شهرهای اردبیل، تبریز و ارومیه.

سوالات پژوهش:

۱. نمادهای خانه‌های تاریخی دوره قاجار در شهرهای اردبیل، تبریز و ارومیه براساس نظریه معناشناسی دوسوسور کدامند؟

۲. هدف از نمادپردازی و نشانه‌گذاری در خانه‌های تاریخی دوره قاجار در شهرهای اردبیل، تبریز، ارومیه چیست؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۱

دوره ۱۸

صفحه ۴۰۶ الی ۴۱۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

نماد شناسی خانه های تاریخی،
دوره قاجار
نظریه معناشناسی،
فردینان دوسوسور.

ارجاع به این مقاله

محبی گرمی، هومن، فرمهینی فراهانی، رضا، غیائی، محمد مهدی. (۱۴۰۰). تبیین نشانه شناسی و راهکارهای نظریه معناشناسی فردینان دوسوسور در خانه های تاریخی دوره قاجار در شهرهای اردبیل، تبریز و ارومیه. هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۴۰۶-۴۱۶.



dor.net/dor/20.1001.1.1730708.1400.18.41.23.2



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.271549.1529

مقدمه

معماری ایران در طول دوره اسلامی تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است و در هر دوره و در هر منطقه جغرافیایی این آثار تحولاتی را تجربه کرده‌اند. دوره قاجار در ایران یکی از دوره‌های تاریخی است که آثار و بناهای زیادی از آن برجای مانده است. امروزه شناخت ماهیت این آثار و مختصات آن‌ها می‌توان نقش مهمی در شناخت دقیق تاریخ معماری در ایران دوره اسلامی داشته باشد. در دوره قاجار، شهرهای شمال غرب ایران به‌خصوص تبریز با توجه به تمرکز نیروهای سیاسی و اقتصادی مورد توجه بود، لذا در این شهرها بناهای متعددی مربوط به این دوره تاریخی برجای مانده است. در راستای مقتضیات زمانی و مکانی آثار تاریخی رویکردهای متعددی وجود دارد. یکی از این رویکردها مربوط به سوسور است که نشانه را موضوعی «کالبدی» و در عین حال «معنادار» معرفی می‌کند. از نظر سوسور ارزش هر نشانه با حضور هم‌زمان نشانه‌های دیگر و در ارتباط با آن معنا می‌یابد. او یکی از مباحث مهم در معنانشناسی موضوع سطوح مختلف معنی می‌داند. سطح اول، معنی یا اشاره اصلی می‌باشد که مبین عملکرد اصلی عملکرد قابل حصول یک موضوع است. سطح بعدی، معنا یا اشاره ضمنی خوانده می‌شود که طبیعتی نمادین و سمبولیک دارد. با توجه به گستردگی دانش نشانه می‌توان چنین نتیجه گرفت که عناصر موجود در فضای معماری مشمول مفاهیمی است که به‌وسیله شناخت دانش نشانه‌شناسی میسر می‌گردد.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است؛ اما آثاری به بررسی خانه‌های دوره قاجار پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه‌شناسی زمینه‌های مؤثر بر تزیینات معماری دوره قاجار» به قلم پویافر و ستاری (۱۳۹۷) به رشته تحریر در آمده است. نویسندگان در این اثر به بررسی تأثیر غرب بر تزیینات معماری قاجار با رویکرد نشانه‌شناسی پرداخته است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «تأملی بر نشانه‌شناسی فضاهای داخلی خانه‌های دوره قاجار شهر قزوین از دیدگاه فردینان دوسورسور، چالرز پیرس و امبرتو کوکو» به قلم سخاوت دوست و البرزی (۱۳۹۷) به رشته تحریر در آمده است که در آن به بررسی خانه‌های قاجار در قزوین براساس نظریات این سه نظریه‌پرداز پرداخته‌اند. با این حال، خانه‌های مورد نظر در پژوهش حاضر یعنی تبریز، ارومیه و اردبیل تاکنون بررسی نشده است.

بنابراین پژوهش حاضر به بررسی علل عملکردی و مفهومی فضاهای خانه‌های مسکونی از منظر نشانه‌شناسانه، و معنانشناسی سوسور در شهرهای اردبیل و تبریز و ارومیه به دلیل داشتن خانه‌های مسکونی از فرهنگ و معماری دوره قاجار می‌پردازد. پژوهش کیفی حاضر از ماهیتی شامل چند روش مختلف تشکیل شده است که رویکردی تفسیری-تاریخی به موضوع بحث مورد منظر را شامل می‌شود. در مرحله نخست از میان شرح‌حال‌ها، نقدها و توصیف‌های هر یک از آثار و نمونه‌های به جای مانده دوره قاجار اطلاعات اولیه به دست آمده است.

۱. نشانه‌شناسی و معناشناسی

نشانه‌شناسی را به عنوان semiotics گاهی هم semiotic بدون S یا semiology به کار برده می‌شود (دینه سن، ۱۳۹۰: ۱۱). نشانه‌ها برپایه روش یا رمزگان مورد بهره برای انتقالشان دسته‌بندی می‌شوند که می‌توانند آواهای خاص، علامت‌های الفبایی، نمادهای تصویری، حرکات بدن یا حتی پوشیدن یک لباس ویژه باشد (شعیری، ۱۳۹۱: ۱). سیستم نشانه‌ها به مطالعه این موضوع می‌پردازند که معانی چگونه تولید و ساخته می‌شوند و آن‌ها چگونه واقعیت را نشان می‌دهند و روند شکل‌گیری آن‌ها چه تأثیری بر حوزه زبانشناسی می‌گذارد، این‌ها جزء مفاهیمی که در این حیطه مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع مفهوم و حوزه معناشناسی در این قسمت دو مقوله جدا از هم هستند (براتی، ۱۳۹۴: ۱).

در اوایل قرن بیستم، با انتشار دیدگاه‌های «فردینان دوسوسور» و چارلز سندرس پیرس «پدیده نشانه‌شناسی به مثابه یک علم جدید، در مباحث زبان، ادبیات و نقد ادبی و فرهنگی مطرح شد. نشانه‌شناسی همواره در همجواری مکتب ساختارگرایی قرار داشته و به عنوان شعبه و شاخه‌ای از آن بررسی شده است (کوپال، ۱۳۸۶: ۴۸). نظم منطقی ذهن پیرس، نشانه‌شناسی را به همه عرصه‌های زندگی و تفکر بشری تعمیمی می‌داد و نشانه‌شناسی از دیدگاه او چهارچوبی ارجاعی برای مطالعه همه چیز بود. او در این باره می‌گوید: «هیچگاه نتوانسته‌ام چیزی مطالعه کنم، هر چه می‌خواود باشد: ریاضیات، اخلاق، متافیزیک، جاذبه، ترمودینامیک، شیمی، آناتومی تطبیقی، نجوم، روانشناسی، اقتصاد، تاریخ علوم، ورق بازی، مرد و زن، شراب، کمیت‌شناسی و به آنان چونان چیزی غیر از یک مطالعه نشانه شناختی نگاه کنم» (ژان ماری شفر، ۱۳۸۰: ۱۴۵). در این میان، سوسور نشانه‌شناسی را بخشی از روانشناسی اجتماعی و در نتیجه جزو روانشناسی عمومی می‌دانست اما همانند پیرس، برای آن تعریف علمی مشخص و از پیش تعیین شده نداشت. برخلاف پیرس که دامنه نشانه‌شناسی را بسیار گسترده می‌دانست، سوسور برای نشانه‌شناسی محدودیت قائل بود. به گمان او نشانه‌شناسی فقط در زمینه نظام‌های قراردادی ارتباط، کارایی داشت (احمدی، ۱۳۷۱: ۸). به نظر می‌رسد که نشانه‌شناسی به عنوان یک روش بررسی پدیده‌ها می‌تواند در بررسی هر پدیده برای خود نظم و دستگاهی بیافریند که به توسط آن مفاهیم تغییر معنا یافته در آن پدیده را به حوزه دلالت مطابقه منتقل کنیم و به معانی تصریحی دست یابیم. اما گاه چنین بیان شده که هر نشانه می‌تواند تأویلی داشته باشد و نشانه‌شناسی را به مثابه روشی برای به اول گرداندن معنی» معرفی کرده‌اند. چارلز موریس، تفسیرگر آرای پیرس، گفته است: «یک چیز فقط هنگامی نشانه است که آن را یک تأویل‌گر به عنوان نشانه چیزی تأویل کرده باشد» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

۲. معماری دوره قاجار

بررسی معماری در ایران دوره اسلامی نشان می‌دهد که در دوره هر حکومتی به فراخور مقتضیات زمانی و مکانی تحولاتی در معماری ایجاد شده است. به‌طور کلی، سبک معماری در این دوره تلفیقی از خانه‌های سنتی ایران به همراه برخی از نمادهای فرهنگی می‌باشد. در پی تحول سبک معماری در احداث خانه‌ها، کم‌کم اصلی‌ترین مفهوم فکری و کالبدی معماری (درون‌گرایی) جای خود را به (برون‌گرایی) در شکل‌گیری خانه‌ها می‌دهد که نمونه‌های متعددی از آن را در تهران می‌توان دید (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۲۰). از نیمه حکومت قاجار برخی از بناهای مسکونی بیشتر تحت تأثیر فرهنگ و معماری غرب قرار گرفتند. خانه‌های ثروتمندان و اعیان بیش از پیش از بناهای اروپایی الهام گرفته می‌شد. در این میان ستون‌ها نقش مهم‌ترین نسبت به دیگر عناصر داشتند که با اقتباس از سبک‌های اروپایی بود. از تزیینات این دوره می‌توان به ستون‌های تزیین شده سنگی، آجری و گچ‌بری‌های نقوش گل و بلبل، شاخ و برگ، آینه‌کاری، کاشی‌کاری و غیره... با تلفیق هنر و معماری ایرانی-اروپایی مورد استفاده بود.

دوره قاجار را می‌توان یکی از دوره‌های معماری خانه‌سازی نامید. خانه‌های دوره قاجار از جهات مختلف از جمله روح مکان، روح فضا با عنصر زمان در ارتباط بود. نمود بیشتر خانه‌های دوره قاجار تحت تأثیر غرب بود. این عامل در ایجاد تزیینات غرب‌گرا مانند نقوش رئالیسم و طبیعت‌گرایی، نقش انسان، فرشته و رئال در تزیینات بنا رایج شد. معماری دوره قاجار به مبحث اقلیم توجه ویژه‌ای داشت و در درجات بعد مسائل و رویکردهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و زیبایی‌شناسی در طراحی خانه‌های این دوره مؤثر بود. در این دوره معماری بومی هر منطقه تحت تأثیر عوامل سازگار با اقلیم قرار داشت. از سوی دیگر معماری منازل مسکونی در این دوره را می‌توان دارای اصول، تناسب و الگوهایی از معماری گذشته ایران دانست (شاطری و دبدبه، ۱۳۹۸: ۱۵۵). در معماری دوره قاجار عدم پیروی از الگوی چندان مشخص به چشم می‌خورد. این مسئله در نتیجه ادغام سبک معماری سنت و ورود معیارهای و سبک‌های جدید در معماری در نتیجه رابطه با غرب در این دوره تاریخی است.

۳. نحوه تبیین نظریه فردینان دوسوسور در خانه‌ها

همان‌گونه که اشاره شد نظریه نشانه‌شناسی سوسور یکی از نظریاتی است که می‌توان از طریق آن به تبیین ماهیت خانه‌های دوره قاجار پرداخت. سوسور با دیدگاهی ساختارگرایانه هر نشانه‌ای را در ارتباط با نظام خود مورد بررسی قرار می‌دهد و توجه زیادی به «زمینه» و خاستگاه متن که شکل دهنده نوع برداشت و تعبیر مخاطب است، دارد (ساسانی، ۱۳۹۰: ۷). سوسور زمان را در درک اشیاء و پدیده‌ها و نقش و نقوش آن مهم می‌داند و معتقد است که پدیده‌ها با ساختار کالبدی خود قابل درک هستند، برای شناخت یک دوره تاریخی لازم است که پدیده‌ها در زمان و براساس معیارهای کالبدی و محیطی خود سنجیده شوند.

۱.۳. خانه های تاریخی شهر اردبیل

یکی از خانه های دوره قاجار در اردبیل، خانه ارشادی است که قدمت آن به اواخر دوره قاجار می رسد. این عمارت که در دو طبقه زیرزمین و همکف اجرا شده است، عدم ارتباط بصری مستقیم فضای داخل و بیرون بنا با یک هشتی در ورودی ساختمان تأمین می گردد و این هشتی ارتباط بین حیاط، فضای بیرون و دو بخش بنا را که یکی از آن ها تفکیک و تخریب شده از چهار جهت عمود بر هم میسر می سازد (تصویر ۱). خانه صادقی اردبیل یکی دیگر از خانه های دوره قاجار در این شهر است. این مجموعه دارای سه بخش ساختمانی به سه حیاط می باشد. به نظر می رسد که ساختمان مرکزی بعنوان بیرونی و ساختمان غربی با کاربری اندرونی هسته اصلی بنا را تشکیل می داد و ساختمان ضلع شرقی بعداً به مجموعه اضافه شده است. سردرب خانه در کوچه ای بن بست به عرض ۵ متر واقع شده است. در تصویر ۲، نمایی از فضای بیرونی و حیاط خانه صادقی قابل مشاهده است.



تصویر ۱: نمای بیرونی خانه ارشادی در اردبیل، مربوط به دوره قاجار. (منبع: نگارنده)



تصویر ۲: نمای بیرونی خانه صادقی در اردبیل، مربوط به دوره قاجار. (منبع: نگارنده)

۲.۳ خانه‌های تاریخی شهر تبریز

خانه حیدرزاده، عمارت تاریخی واقع در منطقه مقصودیه شهر تبریز است که در سمت جنوب ساختمان شهرداری تبریز قرار دارد. مساحت خانه ۹۰۰ متر مربع بوده و در دو طبقه ساخته شده است که ساختمان میان حیاط اندرونی و بیرونی قرار دارد در تصویر شماره ۳، منظره بیرونی خانه حیدرزاده قابل مشاهده است. خانه امیر نظام گروس از دیگر خانه‌های تاریخی تبریز مربوط به دوره قاجار است. ساختمان مشتمل بر دو حیاط اندرونی و بیرونی است که باغچه‌ها و حوض‌ها، زیبایی آن را دو چندان می‌کند. ۱۶ ستون با سرستون‌های زیبا ایوان سراسری را نگه داشته‌اند. پنجره‌های مشبک ارسی با شیشه‌های رنگی، گچبری‌های نمای شمالی و جنوبی، و همچنین آینه‌کاری‌ها و گچبری‌های تالارهای داخلی به زیبایی مجموعه می‌افزایند و در زیرزمین حوض‌خلنه وسیعی وجود دارد که یکی از زیباترین قسمت‌های بنا است. ستون‌های استوار حوض‌خانه و آجرکاری سقف آن نیز بسیار چشمگیر است.



تصویر ۳: نمای بیرونی خانه حیدرزاده در تبریز، مربوط به دوره قاجار. (منبع: نگارنده)



تصویر ۴: نمای بیرونی خانه امیرنظام گروسی در تبریز، مربوط به دوره قاجار. (منبع: نگارنده)

۳.۳. خانه‌های تاریخی شهر ارومیه

خانه انصاری از خانه‌های مربوط به دوره قاجار در شهر ارومیه است. خانه انصاری در جبهه غربی شهر و بین خیابان مدنی دو، ۱۵ خرداد و حافظ ۱ (از جناح شرقی، شمالی، غربی) و در بافت متراکم و محاصره بناها واقع شده است و فرم بنا چهارگوش با دوطبقه که طبقه همکف به صورت زیرزمین تا ارتفاع حدود ۲ متری از سنگ‌های تراش‌دار و طبقه اول که بعد از آن می‌باشد، از آجر احداث شده است و دارای یک پذیرائی بزرگ و دو اتاق کوچک و با یک راهرو در طرفین به صورت قرینه فضا سازی شده است.

خانه هدایت نیز از بناهای مربوط به دوره قاجار است. خانه قدیمی هدایت در بافت متراکم و مسکونی و تقریباً نزدیک به بازار قدیمی و مرکز شهر ارومیه (میدان انقلاب) واقع شده است و هر چند در بین واحدهای معماری محصور شده ولی طوری قرار گرفته که می‌توان آنرا از بیرون ملاحظه کرد. مهم‌ترین و با ارزش‌ترین بخش خانه را ساختمان ضلع جنوبی صحن تشکیل می‌دهد که رو به شمال و در وسط حیاط بیرونی و اندرونی است. حیاط دو جبهه تقریباً به فرم چهارگوش با دیوارکشی آجری و پایه‌های سنگی و آجری ساده (با تزئیناتی به تبعیت از نمای عمومی مدرسه) با پوشش آسفالت و سنگ‌فرش آرایش یافته است.



تصویر ۵: خانه انصاری در ارومیه. مربوط به دوره قاجار. (منبع: نگارنده)



تصویر ۶: خانه هدایت در ارومیه مربوط به دوره قاجار. (منبع: نگارنده)

۴. تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های دوره قاجار در اردیبل، تبریز، ارومیه براساس رویکرد فردینان دوسوسور

برای تحلیل نشانه‌شناختی شکل معماری خانه‌های تاریخی سه دسته رمزگان معرفی می‌گردد. این رمزگان‌ها که اساس تحلیل‌های بعدی می‌باشند، در اینجا معرفی می‌شوند دسته اول رمزگان تکنیکی، نام‌گذاری شدند که شامل عناصر اولیه معماری می‌شود، مانند کف بنا، سازه‌ها، سقف و غیره و دسته دوم رمزگان نحوی است که عناصر معماری براساس منطق خاص در رابطه با هم‌نشینی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و دلالت معنایی ایجاد می‌کند، مانند رابطه نزدیکی خانه‌ها به دکان‌ها، مغازه یا فضاهای دیگر، رابطه راسته‌های دیوار با حیاط و دسته سوم رمزگان معنایی است. در اینجا است که عناصر منفرد معماری خانه‌ها در ارتباط دلالت‌های یک به یک و ضمنی، دلالت معنایی عمیق‌تر و شاخص‌تری را تولید می‌کند.

جدول ۱- رمزگان معنایی- نحوی در ساختار خانه‌های تاریخی (نگارنده)

هرموزه تکنیکی	معناسازی	تداعی معنا در مقیاس خرد کارکرد معنایی اولیه کارکرد معنای ثانویه به صورت آشکار
	بازی دالها	معنای ضمنی به صورت نشانه‌ها
	ترندهای بلاغی	نمادین کیفی، واحد (واقعی) قانونی کنایه‌ای تشبیه‌ی
	دلالت‌های مستقیم	خانه بودن در برداشت اولیه دریافت مکان به صورت استدلالی
	دلالت‌های ضمنی	- استعاره‌های بصری استعاره‌های جهتی استعاره‌های هستی‌شناسی استعاره‌های ساختاری استعاره‌های شکلی مجاز جز به کل مجاز کال به جزء شکل به جای مفهوم دال به جای مدلول

رابطه بینابینی	رابطه پیرا متنی رابطه فرا متنی	رابطه زایشی رابطه دگرگونی متنی
معناسازی	تداخی معنا در مقیاس کلان رمزگان با معنای ضمنی ایدئولوژی رمزگانها با معنای کارکردی اجتماعی -فرهنگی تداعی معنا در مقیاس کلان	تبادل اطلاعات دیداری و جداسازی قلمروها دلالت موقتی و قدرت اجتماعی و اقتصادی
رابطه با بافت	هماهنگ تضاد جداسازی	هماهنگ زایش تضاد
روابط درون فرهنگی	توجه به تکثر اندیشه‌ها بیان نظام ارزش‌ها به واسطه نشانه‌ها توافق ضمنی آدمیان توجه مستقیم به قراردادهای اجتماعی رقابت برای پویای گذر از شخصیت فردی به اجتماعی	
زمان	تجربه عینی - ذهنی مخاطب	وابسته لحظه زمانی معین وابستگی به ویژگی مکان وابستگی به نور
	نگاه در زمانی	بیان نوین تر نسبت به پیکره‌های دیگر تکرار کالبدی تاریخ قاعده حاکم : افزایش و حذف مولفه ای: حضور
	نگاه هم زمانی	نظام همنشینی در ترکیب اهمیت روابط جزء به کل در زمان قاعده حاکم : جابجایی مولفه اصلی : غیاب

نتیجه‌گیری

درک نشانه‌های در شناسایی و نحوه کارکرد و عملکرد و زبان معماری یک دوره خاص به گفته سوسور مؤثر واقع می‌شود. سوسور، معناگرایی را از حوزه‌های گسترده معنایی بهره گرفته و از شی یا اثر هنری در جهت بیان مفاهیم و معانی مورد نظر خود استفاده نماید. از مباحث مطرح در این پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری گرفت که نمادهای خانه‌های تاریخی دوره قاجار در شهرهای اردبیل، تبریز و ارومیه مربوط به رمزگان معنایی و محتوایی آن مربوط است که این گفته براساس نظریه سوسور که هر نشانه دارای معنا و مفهوم خاصی است که به دوره خاص آن نشانه بستگی دارد. با بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که ساختار خانه‌های تاریخی دوره قاجار برگرفته از دو سطح اجتماعی-فرهنگی و هرمونتیکی آن‌ها شکل گرفته است. این دو سطح از لحاظ ساختاری که حاوی مفاهیم و رمزگان معنایی و نحوی در ساختار خانه‌ها می‌باشند که در جدول ۱ نحوه دسترسی به معنا و مفهوم خانه‌ها پرداخته شده است که نحوه معنا آن‌ها در نمود خانه‌ها نیز اشاره شده است. در سطح هرمونتیکی مواردی چون معناسناسی، ترفندهای بلاغی، بازی دال‌ها، دلالت‌های مستقیم و دلالت‌های ضمنی در ساخت خانه‌های دوره قاجار تأثیر داشته است. از نظر اجتماعی و فرهنگی رابطه بینابینی، معناسناسی، زمان، رابطه با بافت و رابطه درون فرهنگی در ساخت این خانه‌ها مؤثر بوده است.

منابع:

کتاب‌ها:

- احمدی، بابک. (۱۳۷۱). از نشانه‌های تصویری تا متن. چاپ اول. تهران: انتشارات مرکز.
 پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی معماری ایران. چاپ دهم، تهران: نشر سروش دانش.
 چندلز، دانیل. (۱۳۹۷). میانی نشانه‌شناسی. مترجم مهدی پرسا، تهران: انتشارات سوره مهر.
 دینه سن، آنه ماری. (۱۳۹۰). درآمدی بر نشانه‌شناسی. مترجم مظفر قهرمان، آبادان: نشر پرسش.
 سوسور، فردیناندو. (۱۳۸۲). دوره زبان‌شناسی عمومی، مترجم کوروش صفوی، تهران: نشر هرمس.
 ساسانی، فرهاد. (۱۳۹۰). معنا کاوی به سوی نشانه‌شناختی معماری، تهران: انتشارات علم.
 شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۱). نشانه - معناشناسی دیداری، تهران: انتشارات سخن.
 گیرو، پی. یر. (۱۳۸۰). نشانه‌شناسی. ترجمه محمد نبوی. چاپ اول. تهران: فکر روز.

مقالات:

- براتی، ناصر. (۱۳۹۴). «تعریفی معناشناسانه - فرهنگی از مکان (مطالعه موردی: زبان فارسی)»، فصلنامه هنر و تمدن شرق، شماره ۷، صص ۱۰-۳.
 شاطری وایقان، امید؛ دبدبه، محمد. (۱۳۹۸). «ساختار معماری خانه‌های تاریخی ایران؛ دوره قاجار». نشریه علمی تخصصی شباک، شماره ۴۶، ۱۶۴-۱۴۹.
 کوپال، عطاءالله. (۱۳۸۶). «فراز و فرود نشانه‌شناسی از دانش تا روش». باغ نظر، شماره ۷، ۴۸-۳۹.

منابع لاتین:

Eco, U. (۱۹۶۸). *Function and Sign: Semiotics in Architecture, in the City and the Sign: an introduction to Urban Semiotics*, Gottdiener, M. and Lagopoulos, A, eds, New York, Columbia University Press.

Gawlikowska, A.P. (۲۰۱۳). *From Semantics to Semiotics. Communication of Architecture*. *Architecturae et Artibus*, ۵(۱), ۵۱-۶۱.